

فقه کزّامی، دعوتی نو

لیلا شریفی^۱

چکیده

این مقاله در بارهٔ آراء فقهی فرقهٔ کزّامیه است که ابو عبدالله محمد بن کزّام سجزی (متوفی ۲۵۵ ق) با انشعاب از فقه حنفی آن را پدید آورد. مقاله بر اساس کتاب النّنف فی الفتاوی نوشته ابوالحسن علی بن حسین سغدی (متوفی ۴۶۱ قمری) نوشته شده است. شرح حال ابن کزّام و برخی از دیدگاه‌های کلامی فرقهٔ کزّامیه در باب ایمان و تجسیم و تشبیه خداوند بیان می‌شود. سپس نگارنده تاریخچهٔ فقه کزّامی و دیدگاه‌های مختلف در بارهٔ فقه کزّامی را مرور می‌کند. فتاوی فقه کزّامی بر اساس کتاب النّنف، در ابواب طهارت، نماز، روزه، اعتکاف، حج، نکاح، دیات و تقیه استخراج شده است.

کلیدواژه‌ها

کزّامیه - دیدگاه‌های کلامی و فقهی؛ فقه کزّامی - فتواها؛ النّنف فی الفتاوی (کتاب)؛ سغدی، علی بن حسین؛ سجزی، محمد بن کزّام؛ مکاتب فقهی مسلمانان



سراغاز

از آراء فقهی کزّامیه - پیروان ابو عبدالله محمد بن کزّام که با نواندیشی در فقه حنفی، مسیر خود را از آن جدا کرد و تدریجاً فقه مخصوص به خود را به وجود آورد - اثر مستقّلی در دست نیست و هر چه هست منقولات دانشوران دینی است که البتّه از تحریف در امان نمانده است. تنها اثر مستقلّ فقهی که آراء و عقاید فقهی ابن کزّام را بی طرفانه و به موازات دیگر فقها مطرح کرده، کتاب النّنف فی الفتاوی نوشته ابوالحسن علی بن حسین سغدی (۴۶۱ ق) است. این نوشتار به بررسی آراء و عقاید فقهی ابن کزّام بر اساس کتاب مزبور می پردازد.

ابو عبدالله محمد بن کزّام سجزی (۲۵۵ ق)، عابد، متکلم و زعیم فرقه کزّامیه^۱ در سیستان متولّد شد، اما در نیشابور به تعلّم و تعلیم پرداخت. در خراسان با احمد بن حرب مجالست داشت و از احمد بن عبدالله جویباری و محمد بن تمیم فارابی حدیث شنید،^۲ آنانی که به گفته ابن حبان از دجالان و واضعان هزاران حدیث بودند و ابن کزّام غافل آن‌ها را می شنیده و در رساله‌های خویش به کار می برده است.^۳ در سمرقند با ابومحمد عبدالله بن محمد بن سلیمان سجزی از علی بن إسحاق سمرقندی (۲۳۷ ق) تفسیر کلبی را فراگرفت.^۴ او برخی عقایدش را در کتاب یا رساله عذاب القبر نوشت و به نشر آراء خود پرداخت. داوری‌های مختلفی درباره او و کزّامیه وجود دارد. برخی فرقه نویسان ابن کزّام را بدعت‌گذار و دارای مذهب به هم بافته معرفی می کنند.^۵ عبدالقاهر بغدادی در الفرق بین الفرق او را از اهل تجسیم دانسته که در فقه نادانی‌هایی کرده^۶ و شهرستانی در الملل و النحل او را کم سواد و پیروانش را گمراه خوانده است.^۷ هر چند بعضی دیگر چون مقدسی

۱. المغنی فی الضعفاء، ج ۲، ص ۶۲۷.

۲. الأنساب، ج ۱۰، ص ۲۰۸.

۳. المجروحین من المحدثین و الضعفاء و المتروکین، ج ۲، ص ۳۰۶.

۴. القند فی ذکر علماء سمرقند، ص ۳۱۰.

۵. شذرات الذهب، ج ۳، ۲۴۷. قال ابن حبان: «خذل حتّى التقط من المذاهب أردأها، ومن الأحادیث أوأها».

۶. الفرق بین الفرق، صص ۲۰۲-۲۱۴.

۷. الملل و النحل، ج ۱، ص ۱۲۴.

کرامیان را پرهیزکار و متعصب دانسته^۱، و یا عبدالغافر فارسی بعضی زعمای ایشان را عابد و ثقه و کثیر العبادة توصیف کرده است^۲.

به طور کلی محمد بن کرام محدثی مطلع، مؤمنی خداترس، مسلمانی پارسا و پایه‌گذار مذهبی با قواعد ویژه بود^۳. این مذهب با فقه ویژه خود برای تمام شئون زندگی مسلمانان اصول خاصی داشت. ابن کرام و دیگر پیشوایان کرامی با زندگی زاهدانه و تعلیم عقاید خویش به زبانی ساده‌تر و مهم‌تر از همه تسامحی که در مسائل فقهی از خود نشان دادند بسیاری از مردم را به خود جلب کردند. به اعتقاد مدلولونگ کرامیه در آغاز یک مکتب فقهی یا کلامی مستقل محسوب نمی‌شد و در فروع به سنت حنفی نزدیک بود^۴، اما آراء کلامی و فقهی متفاوت ابن کرام نسبت به دیگر فقه‌ها، رفته رفته کرامیه را به یک فرقه کلامی و مذهبی مستقل تبدیل کرد، به طوری که مقدسی فرقه کرامیه را یکی از چهار مکتب فقهی معرفی کرده است^۵. ابن کرام اگر چه در اصول پیرو ابوحنیفه بود، اما در شماری از مسأله‌های فقهی و فروع، نظریات خاص خود را داشت. در واقع آراء فقهی ابن کرام رویکردی نو به فقه حنفی محسوب می‌شد. با تأمل در آراء و عقاید فقهی ثبت شده از ابن کرام، تسامح و تساهل وی به ویژه در فروع دین کاملاً مشهود است. تساهل ابن کرام در فقه مورد انتقاد قرار گرفت که البته این نقد از تعصبات تند مذهبی خالی نبود، به گونه‌ای که از زمان ابن کرام اندیشمندان زمان ردیه‌هایی بر عقاید او نوشتند و او را تکفیر کردند^۶، که از جمله آنها ردیه فضل بن شاذان (۲۶۰ق)^۷ و ردیه ابوبکر محمد بن یمان سمرقندی (۲۶۰ق) بر ابن کرام و ردیه ابن فورک شافعی بر اصحاب ابن کرام بود^۸.

میراث فقهی

فقه کرامی، دعوتی نو



۱. أحسن التقاسیم، ج ۱، ص ۵۸.

۲. تاریخ نیشابور، ۱۳۶۳، صص ۸۶، ۱۳۸، ۶۸۶.

۳. «کرامیه در نیشابور»، ص ۸۱.

۴. فرقه‌های اسلامی، ص ۸۰.

۵. أحسن التقاسیم، ج ۱، ص ۵۱.

۶. «متونی درباره کرامیه»، ص ۸۳.

۷. رجال نجاشی، ص ۳۰۷.

۸. تاریخ نیشابور، ص ۷.



پرسش‌های متعددی دربارهٔ باورهای فقهی ابن‌کرام وجود دارد که واکاوی دربارهٔ اصول اندیشه‌های فقهی شخص محمد بن کرام و بنیادهای فکری او در اصول و فروع فقه در مرکز این پرسش‌هاست. پرسش‌هایی چون چگونگی استنباط ابن‌کرام در اصول فقه، میزان تساهل و تسامح او به‌ویژه در فروع دین و نحوهٔ نظر به آیات و احادیث در اندیشهٔ فقهی او. در اینجا آراء فقهی ابن‌کرام نه براساس آثار غیرکرامی، بلکه براساس کتاب النتنف فی الفتاوی، متنی دربرگیرندهٔ اصیل‌ترین آراء فقهی کرامی، مورد بررسی قرار گرفته است. همچنین نگارنده در پی پاسخ به این پرسش است که رویکرد فقهی کرامی مطرح شده در این کتاب تا چه اندازه با مبانی فقهی دیگر مکاتب فقهی در تناقض است و آیا این تناقض در حدّ بدعت در اصل دین و مستحق تکفیر بوده است؟

دربارهٔ عقاید کلامی و عرفانی فرقهٔ کرامیه مقالات متعددی نگاشته شده، هرچند در زمینهٔ عقاید فقهی بالاخص براساس کتاب النتنف فی الفتاوی تحقیق جامعی صورت نگرفته است. مادلونگ در کتاب فرق اسلامی به عقاید فقهی کرامیه اشاره کرده است. محمد سهیر مختار نیز در کتابی با عنوان التجسیم عند المسلمین، مذهب الکرامیه فصلی را به فقه کرامی اختصاص داده و درین فصل به بررسی برخی آراء فقهی کرامیه براساس منقولات عبدالقاهر بغدادی و ابوالمظفر اسفراینی پرداخته است.

برخی اندیشه‌های کلامی

از آنجا که اندیشه‌های فقهی هر فرقه بر اندیشه‌های کلامی آن فرقه استوار است^۱، به اجمال به دو نمونه از بحث برانگیزترین آراء خاص کلامی ابن‌کرام اشاره می‌شود.

- ایمان: در کتب فرق، چنین گزارش دربارهٔ ایمان از منظر ابن‌کرام ثبت شده و آن «اقرار به زبان، نه تصدیق قلب و نه عمل ظاهری است»^۲. در واقع با اقرار به زبان و گفتن شهادتین شخص مؤمن است، هرچند قلباً کافر باشد. این دیدگاه کاملاً نزدیک به دیدگاه مرجئه

۱. اهم تحقیقات مربوط به کرامیه به قلم دکتر شفیعی کدکنی، دکتر حسن انصاری، محمدرضا چیت‌ساز و نیز برخی اسلام‌شناسان غربی از جمله باسورث، ملامود، فان‌اس و زیسو است.

۲. مجموعه مقالات، جهانگیری، ص ۳۱۹.

۳. الفرق بین الفرق، ص ۲۰۳؛ شذرات الذهب، ج ۳، ص ۲۴۸.

است، کما اینکه اشعری کرامیه را فرقه‌ای از مرجئه دانسته^۱ و ابن عماد حنبلی او را از عبّاد مرجئه نامیده است.^۲ در مقابل این گزارش‌ها، گزارش دیگری از سیّد حیدر آملی (۷۸۲ق) موجود است که کرامیه را در کنار باور توحیدی معتزله درباره‌ی ایمان قرار داده و گفته است: «قال أبو الهذيل العلاف^۳ و عبد الجبار و أبو علي و أبوها و الكراميه إنّه (أى الإيمان) عبارة عن العمل بالجوارح فقط»^۴. از دیدگاه سیّد حیدر ایمان از منظر معتزله و کرامیه عبارت است از اقرار به زبان، تصدیق به قلب و عمل به جوارح، و این برخلاف چیزی است که در کتب فرق آمده است.

- تجسیم و تشبیه خداوند: به گزارش بغدادی، ابن کرام یاران خود را به تجسیم خداوند دعوت می‌کرد.^۵ شهرستانی نیز پیرامون نظر ابن کرام درباره‌ی تشبیه و تجسیم خداوند مطلب مفصّلی نگاشته^۶ که بر همین اساس ابن کرام را متّهم به بدعت می‌کنند، این در حالی است که محمّد بن هیصم (۴۰۹ق) در توضیح آن می‌گوید: «أراد بالجسم القائم بالذات»^۷؛ و به گزارش ابومعین نسفی (۵۰۸ق) «الجسم لا كالأجسام»، که او نیز جسم را در مفهوم قائم بالذات گرفته است.^۸ می‌توان دریافت که در این مقوله، آشفتگی در بیان آراء خاص ابن کرام در متون ضدّ کرامی کاملاً مشهود است.

فتاوی و آراء فقهی

با مطالعه کتاب‌های رجال فقه حنفی درمی‌یابیم بسیاری از مجموعه فتاوی فقه‌های حنفی در خراسان بزرگ تا پیش از قرن هفتم نگاشته شده است. در واقع باب اجتهاد در میان فرق اهل سنّت تا قرن هفتم باز بوده و از آن به بعد علما به تبعیت از فقه‌های قرون

۱. مقالات الإسلامیین، ج ۱، ص ۱۴۱.

۲. شذرات الذهب، ج ۳، ص ۲۴۷.

۳. ابوهذیل علاف، اندیشمند معتزلی (۲۲۶ق)، درباره‌ی وی رک: مجموعه مقالات، جهانگیری، ص ۸۸.

۴. جامع الأسرار، ص ۵۸۹.

۵. الفرق بین الفرق، ج ۱، ص ۲۰.

۶. الملل و النحل، ج ۱، صص ۱۲۴-۱۲۶.

۷. همان، ج ۱، ص ۱۲۸.

۸. «پژوهشی درباره‌ی کرامیان»، ص ۱۲۴.





اولیّه محصور شدند. این مجموعه‌های «فتاوی» از قرن سوم به بعد به رشته تحریر درآمد. به گفته حاجی خلیفه، ابوبکر محمد بن یمان سمرقندی (۲۸۶ق) کتابی با موضوع فقه حنفی نگاشته، و پس از وی مکحول نسفی کرامی (۳۱۸ق)، ابومنصور ماتریدی (۳۳۳ق) و سمرقندی (۳۷۰ق) نیز در اعتقاد حنفی آثاری نگاشتند.^۱ قرن پنجم دوره بالندگی فقه حنفی است و در آن رشد کمی دانشوران این فرقه کاملاً مشهود است، از جمله این دانشوران قاضی ابوالحسن علی بن حسین سُغدی است که در بعضی کتاب‌ها از وی با عنوان قاضی سُغدی حنفی یاد شده است.^۲ شیخ الاسلام قاضی القضاة ابوالحسن علی بن حسین بن محمد سُغدی در سُغد (از شهرهای ورارود) متولد شده و در ۴۶۱ق در بخارا درگذشته است. کتاب الأَنساب سمعانی (۵۶۲ق) نزدیک‌ترین اثر رجالی است که قاضی سُغدی را معرفی کرده است: «القاضی ابوالحسن علی بن حسین بن محمد السغدی مَمَّن سَکن بخاری کان إماماً فاضلاً مناظراً. سمع جماعة من العلماء و توفی ببخاری سنة إحدى و ستین و أربعمائة».^۳ قرشی (۷۵۵ق) نیز درباره او توضیح می‌دهد که شمس‌الائمهُ سرخسی از وی روایت کرده و می‌افزاید که وی صاحب کتاب النَتف فی الفتاوی و شرح السیر الکبیر شیبانی است.^۴ تمام تراجم نویسان وی را از ائمهُ حنفی دانسته‌اند و هیچ کدام به گرایش کرامی وی اشاره‌ای نکرده‌اند. کتاب النَتف فی الفتاوی قاضی سُغدی مهم‌ترین و تنها متن مستقل فقهی است که آراء فقهی کرامی را نقل کرده است. نویسندگان فتاوی فقه‌های حنفی و شافعی و گاهی حنبلی را در ضمن ابواب منظم فقهی نگاشته است. آرون زیسو در مقاله‌ای با عنوان «دو متن ناشناخته کرامی» کتاب النَتف را متنی کرامی معرفی کرده است.^۵ در اهمّیت جایگاه فقهی و علمی قاضی سُغدی و اصالت کتاب وی در باب فقه همین بس که شیخ طوسی (۴۶۰ق)، فقیه و عالم مشهور شیعی،

۱. «فقه حنفی در عهد ایلک خانیان»، ص ۴۶.

۲. الفوائد البهیة فی تراجم الحنفیة، ص ۱۲۱.

۳. الأَنساب، ج ۷، ص ۱۴۶.

۴. الجواهر المضية، ج ۲، ص ۵۶۷.

۵. «کرامیه در نیشابور»، ص ۷۸.

در کتاب الخلاف في الأحكام، در ضمن بیان دیدگاه‌های فقهی حنفی و حتی شافعی، به کتاب الننف استناد کرده است.^۱

پیش از پرداختن به آراء فقهی کرامی در کتاب الننف لازم است عقاید فقهی کرامی را در برخی منابع سنّی و شیعه مورد بررسی قرار می‌دهیم.

فقه کرامی در آثار دیگران

اهل سنّت و جماعت در برخی اصول فقهی دیدگاه مشترکی ندارند و هر کدام رویکرد خود را به شریعت اسلام عرضه می‌کنند. برخی اختلاف دیدگاه‌ها به نحوی است که علمای هر فقه یکدیگر را تکفیر می‌کردند و این امری رایج در نیشابور، مرکز علمی ایران اسلامی در قرون اوّلیه، بود. شدیدترین رقابت‌ها تا قرن پنجم هجری میان فرقه‌های حنفی، شافعی و کرامی بود. در همین دوران بود که حکیم سمرقندی (۳۷۰ ق) اعتقادنامه دینی سامانیان را به نام «سواد اعظم» بر اساس فقه حنفی نگاشت. حکیم سمرقندی به طور مطلق کرامیه را تکفیر کرده و ایشان را جاهل‌ترین و بدترین هفتاد و دو ملت دانسته است. مبنای تکفیر وی روایتی است که عبدالله بن عمر به پیامبر نسبت داده است: «کرامیه دین مرابدل کنند و سنّت مرا منکر شوند و ایمان را اقرار گویند بی تصدیق دل» و از لسان پیامبر ایشان را لعن و با تحقیر او را «عبدلی کرام»^۲ خطاب کرده است. از نظر سمرقندی دلیل ملحد و مطرود بودن ابن کرام عدم پایبندی او به شریعت و سنّت پیامبر و بدل کردن برخی احکام شرع بوده است.^۳

التبصیر في الدين اسفرائینی (۴۷۱ ق) کتاب دیگری است که دربرگیرنده برخی آرای فقهی کرامی است. نویسنده با استناد به کتاب عذاب القبر ابن کرام و نقل برخی احکام

۱. شیخ در کتاب الخلاف خود بسیار به کتاب الننف فی الفتاوی استناد کرده، از جمله: باب حج (کتاب الننف، ج ۱، ۲۱۳؛ کتاب الخلاف، ج ۲، ص ۳۶۴)؛ باب خمس (کتاب الننف، ج ۱، ص ۱۷۷؛ کتاب الخلاف، ج ۴، ص ۱۹۹) و موارد متعدّد جز آن.

۲. سنایی نیز اصطلاح عبدلی کرام را به کار برده است: «تا عبدلی کرام طینت را + از میوه و مرغ و حور بنوازم» (تازیانه‌های سلوک، ۸/۲۰).

۳. ترجمه سواد اعظم، ص ۱۸۷.





صادره از وی تمام آراء و عقاید فقهی ابن‌کرام را بدعت و موجب الحاد دانسته است. اسفراینی می‌نویسد (نقل به ترجمه): «از بدعت ایشان است که ایمان را به قول می‌دانند. از نظر ایشان نماز در مکان نجس با لباس و بدن نجس جایز است. طهارت از نجاست واجب نیست اما طهارت از حدث واجب است. غسل و نماز میّت واجب نیست اما کفن و دفن واجب است. نیت در واجبات همچون نماز و حج لازم نیست اما در نوافل واجب است. برزانی حد واجب نیست و اگر حدّی باشد بر عضو خطاکار است. آنچه گفته شده از جهالت‌های ایشان است در فروع و اصول»^۱.

قزوینی رازی (۵۶۰ق) در النقض با تسامح بیشتری به فقه کرامیه نگریسته و نوشته است: «کرامیه از مذهب بوحنیفه خوانند، از بهر آنکه به فقه بوحنیفه کار کنند و طریقت او دارند در فروع مذهب»^۲.

و سرانجام در فقراتی از کتاب تبصرة العوام از سیّد مرتضی ابن داعی (قرن هفتم) آخرین کوشش‌های دانشوران فقهی دیگر مذاهب برای نابودی فرقه کرامیه مشاهده می‌شود. دوران نگارش این کتاب هم‌زمان با توقّف کامل بالندگی فقه کرامی است. رویکرد نویسنده در این کتاب، به آراء فقهی و کلامی کرامیه کاملاً خصمانه است. ابن داعی عقاید ابن‌کرام را از کتاب السّرّ و کتاب عذاب القبر روایت کرده و راوی او ابو جعفر محمّد بن اسحاق زوزنی (۴۳۶ق) است، قاضی شافعی‌ای که ردّیه‌ای بر ابن‌کرام نوشته است^۳. احکام فقهی که زوزنی نقل می‌کند با نزاع ابن‌کرام با خدا و پیامبر آغاز می‌شود و اینگونه ادامه پیدا می‌کند: «در آفریدن مار و کژدم و موش فایده‌ای نیست، پس کشتنی‌اند، حتّی اگر در حرم باشد. نیت در فرائض واجب نیست اما در مستحبات واجب است. اگر شخص با علم به نجاست لباس نماز بخواند قضای آن لازم نیست. حد بول کردن در آب روان هشتاد ضربه تازیانه است. تکبیر از ارکان نماز نیست. حدث موجب بطلان نماز نیست. مسح نعل واجب است. قطع دست سارق لازم نیست. لواط کودکان و بزرگان کفّار عبادت است»^۴.

۱. التبصیر فی الدین، ص ۱۱۷.

۲. النقض، ص ۴۵۷.

۳. «متونی درباره کرامیه»، ص ۴.

۴. تبصرة العوام، صص ۶۵-۷۰.

او به نقل از ابن کرام در کتاب عذاب القبر می‌گوید: «من جمله کبائر را بر شما مباح کردم الا خمر که بر شما حرام کردم»^۱. او باز می‌نویسد: «برخی قاعده‌های شرعی ابن کرام مورد قبول حنفیان نیست و بسیار نزدیک به آراء شافعی است»^۲؛ یا «و اکثر کرامیان در اصل و فروع مذهب ابو عبدالله کرام دارند، اما قومی از ایشان در فروع شرع مذهب ابوحنیفه دارند»^۳.

با تأمل در آثاری که عقاید فقهی کرامیه را منعکس کرده‌اند، درمی‌یابیم اولاً اغلب نویسندگان به جهت تبری جستن از عقاید کرامیه و در ردّ آراء ایشان مطالب مذکور را نقل کرده‌اند و چون این منقولات بی‌تأثیر از افکار مخالفین نیست، نمی‌توان به طور قطع درباره صحت اسناد مورد استفاده ایشان مطمئن بود. دوم اینکه کرامیه از نظر فقهی دو دسته بوده‌اند، عده‌ای بر فقه مستقل کرامی و عده‌ای بر فقه حنفی، و در واقع تا قرن هفتم کرامیه فقه مستقلی داشته است. همچنین بر اساس نظر تراجم‌نویسان برخی آراء فقهی کرامیه مختصّ ابن کرام نیست، بلکه از زعمای این فرقه از جمله ابراهیم بن مهاجر است. عبدالقاهر بغدادی می‌گوید ابن مهاجر در فقه آرائی را ابداع کرد که مسبق به سابقه نیست^۴، ازین رو برای آشنایی با چهره دیگر ابن کرام باید به منابع اصیل و بی‌طرف مراجعه کنیم. تنها منبع فقهی شناخته شده که اصول فقه کرامی را مقارن با دیگر فقه‌ها مطرح کرده کتاب الننف فی الفتاوی است. در ادامه به بررسی آراء فقهی ابن کرام که متمایز از دیگر مکاتب فقهی است و کیفیت برخی احکام بحث برانگیز آن می‌پردازیم.

فقه کرامی در کتاب الننف

در این کتاب آراء فقهی کرامیه با نقل قول‌های ابو عبدالله محمد کرام با عنوان «ابی عبدالله» و در یک مورد با عنوان «ابی عبدالله الکرامی» مطرح شده است^۵. در گفتمان فقهی قاضی سغدی، ابن کرام همچون سایر ائمه دارای فضل و آگاهی از مقاصد شارع و فهم اهداف

۱. تبصرة العوام، ص ۶۸.

۲. همان، ص ۷۴.

۳. همان، ص ۷۶.

۴. الفرق بین الفرق، ص ۲۱۲.

۵. الننف فی الفتاوی، ج ۱، ص ۳۷۲.





وی است. روش قاضی در بیان آراء و عقاید ائمه مذاهب بر اساس فقه مقارن و به شیوه «خلاف نویسان» است و از آنجا که فقه عامل مهم جداکننده مذاهب است، تألیف کتاب النتنف فی الفتاوی و آوردن عقاید و آراء مذاهب اهل تسنن از جمله کرامیه، علی رغم تکفیر کرامیه و آراء فقهی ایشان از سوی علمای حنفی، گامی مهم در تقریب مذاهب در قرن پنجم بوده است. در واقع قاضی سغدی با نقل آراء فقهی ابن کرام، به دنبال نشان دادن زمینه‌های مشترک عقیدتی بین کرامیه و دیگر مذاهب اهل تسنن است. همچنین او با آوردن استدلال برای برخی احکام فقهی ابن کرام، رفع سوء تفاهم‌ها و شبهات درباره این فرقه را مد نظر دارد، و در نهایت اینکه او با به رسمیت شناختن فقه کرامی به دنبال رفع اختلاف و تقارب بین کرامیه و دیگر مذاهب است، هر چند سرانجام به این هدف دست نمی‌یابد.

قاضی مشترکات و تمایزات عقاید فقهی حنفی، شافعی، کرامی و گاه حنبلی و مالکی را مختصر و بدون شرح بیان کرده است. آنچه در منقولات قاضی سغدی از ابن کرام اهمیت دارد این است که به احتمال فراوان وی از مکتوبات ابن کرام اسنادی در دست داشته و احکام فقهی کرامی را مستقیماً از آن نقل کرده است. به طور مثال در باب احکام طلاق می‌گوید: «وقال ابو عبد الله في كتاب الطلاق...»^۱. قاضی در تألیف این کتاب علاوه بر تنظیم و تبویب مباحث فقهی، احتمالات را نیز مطرح کرده است، استقلال رأی دارد و کاملاً جانب بی‌طرفی را رعایت می‌کند.^۲ قاضی سغدی در کتاب النتنف نشان می‌دهد که ابن کرام علی‌رغم نزدیکی به فقه حنفی در برخی موارد کاملاً راه خود را از آن جدا کرده، و این نثار در اعمال به فروع احکام فقهی بیشتر دیده می‌شود. دیدگاه‌های فقهی متفاوت ابن کرام از دیگر مکاتب، از جمله مباحث مهم متمایزکننده مذهب کرامیه است که در ادامه به بررسی آنها می‌پردازیم. اینک به ترتیب نگارش ابواب، مباحث فقهی مهم و مورد اختلاف را نقل می‌کنیم:

رکن اول در عقیده اسلامی توحید است. نماز، روزه، حج و زکات از ارکان اصلی آن

۱. النتنف فی الفتاوی، ج ۱، ص ۳۲۰.

۲. همان، ج ۲، ص ۸۷۴.

است، و این موضوعات فقهی بنای علم فقه هستند که اختلاف فرق از اختلاف در فروع این احکام نشأت می‌گیرد. «کتاب العبادت» اولین فصل کتاب النتنف فی الفتاوی موضوع طهارت است که یکی از وجوه اصلی ارکان نماز، روزه و حج است و ذیل آن آمده است.

طهارت

آراء ابن کزّام در باب طهارت از پرچالش‌ترین مباحث فقهی در میان دانشوران بوده است. - فقها اجماع دارند که در صورت وجود نجاست در آب، آب نجس است و غسل و وضو با آن باطل می‌شود. از نظر ابن کزّام بر اساس حدیث نبوی اگر مزه، بو و طعم آن تغییر نکند غسل و وضو با آن صحیح است.^۲

- از آب‌های مورد استعمال در قدیم آب چاه بوده است. از نظر ابن کزّام اگر بول و یا بخشی از جسد حیوان حلال‌گوشت در چاه مملو از آب افتاده باشد آب طاهر است و استعمال آن جهت نوشیدن و طهارت بلامانع است. اما از نظر ابوحنیفه و اصحاب وی آب نجس خواهد شد و طهارت با آن صحیح نیست.^۳ ابن کزّام درین حکم موافق با شافعی و مالکی است.^۴

- از نظر ابن کزّام استعمال آب آمیخته با مسکرات برای وضو جایز نیست.^۵ این رأی مخالف رأی ابوحنیفه است.^۶

- از نظر ابن کزّام طهارت با آب برای وضو بر چهار وجه فریضه است: شستن صورت، شستن دست‌ها، شستن پا و مسح سر. اما از نظر مالک، شافعی و احمد بن حنبل دو وجه مضمضه و

۱. قاضی سغدی بعضی از این فقها را در کتاب النتنف چنین نام برده است: سفیان ثوری، ابوالثور، ابویوسف، اوزاعی، اسحق بن راهویه، محمد بن الحسن و ابراهیم النخعی.

۲. النتنف فی الفتاوی، ج ۱، ص ۹.

۳. المبسوط، ج ۱، ص ۹۰.

۴. النتنف فی الفتاوی، ج ۱، ص ۱۲.

۵. همان، ج ۱، ص ۱۳.

۶. همانجا و نیز رک: المبسوط، ج ۱، ص ۷۷.





استنشاق نیز از فرائض وضوست. این حکم ابن کثرّام موافق با قول ابوحنیفه است.^۱

- فقهای حنفی مسح عمامه را جایز نمی‌دانند.^۲ اما ابن کثرّام مسح عمامه و پوشیه را جایز می‌داند. ابن کثرّام درین حکم موافق نظر ابن حنبل است.^۳

- فقها اجماع دارند که مسح سر نباید کمتر از یک چهارم سر باشد اما ابن کثرّام مقدار معینی برای مسح سر مشخص نکرده و معتقد است کشیدن مسح به مقدار کم نیز صحیح است.^۴

- در نزد جمیع فقهای یکی از مبطلات وضو خوردن و آشامیدن بعد از گذشت مدّتی از وضوست، اما به اعتقاد ابن کثرّام خوردن و آشامیدن از مبطلات وضو نیست.^۵

- از نظر ابن کثرّام حدّث، ضرطه و افجح از مبطلات طهارت است.^۶ این قول برخلاف قولی است که ابن داعی به ابن کثرّام نسبت داده است.^۷

- از نظر فقهای اهل تسنّن خواب فی نفسه از مبطلات وضو نیست،^۸ و تنها در سه حالت ناقض وضوست: خوابیدن به پهلو، خوابیدن به پشت و خواب‌نشست‌هایی که یک پا را از زیر بدن خارج و بریک پا تکیه کنند؛ درین سه حالت تجدید وضو لازم است. اما از نظر ابن کثرّام تنها خواب در حالت مضطجع (برپهلو خوابیده) ناقض وضوست.^۹

- از نظر جمیع فقهای خوابیدن زن و مرد کنار هم بدون ستر و لمس و مس یکدیگر ناقض وضوست، اما ابن کثرّام ملاپسه و لمس را از مبطلات وضو نمی‌شمارد.^{۱۰}

۱. النتنف فی الفتاوی، ج ۱، ص ۱۶.
۲. المبسوط، ج ۱، ص ۱۰۱.
۳. النتنف فی الفتاوی، ج ۱، ص ۱۹.
۴. همان، ج ۱، ص ۲.
۵. همان، ج ۱، ص ۲۷.
۶. همان، ج ۱، صص ۲۶-۲۷، ۷۳.
۷. تبصرة العوام، ص ۶۸.
۸. المبسوط، ج ۱، ص ۷۷.
۹. النتنف فی الفتاوی، ج ۱، ص ۲۸.
۱۰. همان، ج ۱، ص ۲۸.

- طبق نظر ابن کرام اگر لباس و بدن نمازگزار و زمینی که بر آن نماز می‌گزارد ولو به اندازه یک درهم نجس باشد، نماز آن جایز نیست^۱. این حکم در کتاب ابن داعی^۲ و کتاب اسفراینی^۳ جعل شده است.

- از نظر ابوحنیفه و اصحابش، نطفه نجس است. اما ابن کرام با این استدلال که نبی از نطفه نجس خلق نمی‌شود، نطفه را طاهر می‌داند. ابن کرام درین قول با شافعی هم عقیده است^۴.

- از نظر ابن کرام بنا بر قول پیامبر، بول و سرگین حیوان حلال گوشت طاهر است، اما دیگر فقها بر نجس بودن آن اجماع دارند^۵.

تیمم: تیمم بدل از وضوست و از نظر قاضی سعیدی تفاوت آن با وضو در سه چیزست و فقها در سه مورد اجماع نظر ندارند و اختلاف نظر ابن کرام با دیگر فقها درین زمینه کم نیست: ۱. از نظر فقها اگر شخصی متوضاء شود و در آن حال مرتد و دوباره مسلمان شود با آن وضو می‌تواند نماز بخواند، اما اگر تیمم کرده باشد نماز صحیح نیست. از نظر ابن کرام درین شرایط هم وضو و هم تیمم صحیح است؛ ۲. از نظر فقها اگر شخصی به قصد تعلیم وضو، متوضاء شود نماز با آن وضو صحیح است، اما اگر تیمم کند مجاز به اقامه نماز نیست. از نظر ابن کرام نماز این شخص در هر دو حالت صحیح است؛ ۳. از نظر ابوحنیفه اگر شخص کافر وضو بگیرد یا تیمم کند و بعد مسلمان شود و بخواهد در آن حال نماز بخواند، مجاز به اقامه نماز نیست، اما از نظر ابن کرام وضو و تیمم وی صحیح است و آن فرد مجاز به اقامه نماز است^۶.

دومین رکن صحت تیمم سطح پاک است. از نظر شافعی خاک و از نظر ابوحنیفه و

۱. النتنف فی الفتاوی، ج ۱، ص ۳.

۲. تبصرة العوام، ص ۶۷.

۳. التبصیر فی الدین، ص ۱۷.

۴. النتنف فی الفتاوی، ج ۱، ص ۳۶.

۵. همان.

۶. همان، ج ۱، ص ۳۸.





اصحابش خاک و ماسه سطح پاک است و از نظر ابن کرام زمین و هر چه بر زمین است سطح پاک و قابل تیمم است.^۱

- فقها در تیمم بر این موارد اجماع دارند از جمله: خاک، حصیر، زمین لم یزرع، نوره، گچ، سنگ سرمه، زرنیخ، گوگرد، زاج، نمک معدنی، انواع گل و هر رویدنی. ابن کرام علاوه بر قبول این موارد اضافه می‌کند که در صورت عدم دسترسی به این موارد شخص می‌تواند به پوست حیوان هم تیمم کند.^۲

- اندازه تیمم نیز مورد اختلاف است. از نظر فقهای حنفی اندازه تیمم دست، همچون وضو، از آرنج است، اما از نظر ابن کرام اندازه تیمم از مچ دست است.^۳ رأی ابن کرام موافق با نظر ابن حنبل است.

نماز

از نظر ابن کرام و ابوحنیفه نمازهای واجب شامل پنج نماز صبح، ظهر، عصر، مغرب و عشاء است. اما از نظر اهل حدیث و برخی فقها نماز عصر فریضه نیست.^۴

ارکان نماز نزد فقها از چهار رکن تا سیزده رکن متغیر است. ابن کرام با هیچ یک از ایشان هم‌رای نیست. از نظر او نماز پنج رکن دارد: تکبیر، قیام، قرائت، رکوع و سجود. از معدود مواردی که قاضی سغدی جانب بی‌طرفی را رعایت نکرده و با ابن کرام موافقت نموده این مورد است. او نیز با استناد به قرآن پنجگانه بودن ارکان نماز را اولی می‌داند.^۵

قرائت: یکی از ارکان نماز است. به اعتقاد ابن کرام تکبیر، اذان، خطبه و تشهد را می‌توان به فارسی خواند، مضافاً اینکه «بسم الله» ذبح را نیز می‌توان به فارسی گفت، اما ابوحنیفه تنها فارسی خوانی اذان و تکبیر را مجاز می‌داند.^۶

۱. همان، ج ۱، ص ۳۹.

۲. الننف فی الفتاوی.

۳. الننف فی الفتاوی، ج ۱، ص ۴۰.

۴. همان، ج ۱، ص ۴۷.

۵. همان، ج ۱، ص ۴۸.

۶. همان، ج ۱، ص ۵۰.

- مقدار و نحوه قرائت مورد اختلاف فقهاست. شافعی قرائت قرآن در همه رکعت‌های نماز را واجب می‌داند، ابوحنیفه قرائت در دو رکعت اول را واجب می‌داند. اما ابن کرام هم سو با شافعی قرائت در همه رکعت‌ها را فریضه دانسته و در تکمله می‌افزاید در قرائت، یک آیه کوتاه کفایت می‌کند و در صورت فراموشی شخصی می‌تواند از روی قرآن بخواند و یا آن را به فارسی قرائت کند!

واجبات نماز: شامل طهارت، نیت، وقت، ستر عورت و استقبال قبله است. وقت: در نزد فقها و ابن کرام اول وقت نماز صبح، صبح صادق است. این قول مخالف نظر اهل حدیث است که صبح کاذب یا فجر اول را وقت نماز صبح می‌دانند. مضافاً اینکه ابن کرام و جمیع فقها طلوع خورشید را زوال وقت نماز صبح می‌دانند.^۲

نیت: از واجبات نماز است. قاضی سغدی سه وجه برای نیت قائل است: نیت قدیمی، نیت جدید و نیت ممیز. به اعتقاد وی نیت قدیمی همان اراده ادای فرائضی است که خداوند در همه اوقات واجب کرده و نیت جدید اراده ادای فرائض در وقت معین است. در واقع تعریف قاضی سغدی از نیت یک تعریف کرامی است و فقط ابن کرام ادای واجبات بر نیت قدیمی و جدید را صحیح می‌داند. این حکم از بحث برانگیزترین احکام فقهی ابن کرام و در تنافر با آراء دیگر فقهاست، چرا که از نظر ایشان صحت اعمال به نیت، و نیت به لفظ یا به قلب از واجبات است.^۳ اگر معنی لغوی نیت در فقه را که «قصد و اراده عمل» باشد و تأکید بر به لفظ آوردن نیت است در نظر بگیریم، تعریف قاضی سغدی از نیت قدیمی، تعریفی عالمانه است که هوشمندانه با معنای فقهی آن تطبیق داده شده است. از سوی دیگر این حکم با اصل اعتقادی کرامیه درباره صحت ایمان به لفظ قابل توجیه است. از نظر ابن کرام ایمان، اقرار به لسان و ایمان و اسلام افراد در عالم ذر پذیرفته شده است، ازین رو نیت در فرائضی که شخص در آینده انجام می‌دهد قدیمی است. با پذیرش حکم

۱. النتنف فی الفتاوی، ج ۱، صص ۵۰-۵۱.

۲. همان، ج ۱، ص ۵۲.

۳. همان، ج ۱، ص ۵۷؛ المبسوط، ج ۱، ص ۱۱۰.



صحّت نیت قدیمی از سوی قاضی سعّدی بیش از پیش احتمال کّرّامی بودن قاضی قوت می‌گیرد.

ستر عورت: یکی دیگر از واجبات نماز است. از نظر جمیع فقها عورت از ناف شکم تا زانوست و در نماز حداقل سه چهارم آن باید پوشیده شود اما ابن کّرّام زانو را عورت نمی‌شمرد و پوشش نیمی از عورت را برای اقامه نماز کافی می‌داند.^۱ فقهای حنفی، شافعی و کّرّامی در سّت یا فریضه بودن برخی آداب نماز اختلاف نظر دارند، از جمله اینکه از نظر جمیع فقها در جلوس آخر نماز حمد و ثنای خدا و صلوات بر رسول از فضایل است، اما از نظر ابن کّرّام و شافعی صلوات بر رسول از واجبات نماز است.^۲

اقسام نماز

وطن: پیش از پرداختن به احکام نماز لازم است بگوییم قاضی سعّدی وطن را به دو نوع عارضی و اصلی تقسیم کرده است. او در تعریف وطن اصلی می‌گوید از نظر فقها موطن انسان همیشه وطن اصلی او باقی خواهد ماند، ولو اینکه به مکان دیگری نقل مکان کرده و ساکن آن شده باشد، اما از نظر ابن کّرّام با نقل مکان موطن انسان نیز تغییر می‌کند، ازین رو احکام فقهی نیز متغیّر می‌شود.^۳

نماز مسافر: از نظر فقهای فریقین کم‌ترین مدّت سفر چهار شبانه روز است، اما از نظر ابن کّرّام با استناد به حدیث نبوی سه شبانه روز است.^۴

از نظر ائمّه مذاهب احکام مسافر در انواع سفر (سفر طاعت، سفر معصیت و سفر رخصت) یکی است، به گونه‌ای که نماز و روزه ایشان شکسته است. اما از نظر ابن کّرّام نماز در سفر معصیت شکسته است و با این استدلال که افطار، اکرام خداوند است و شخص عاصی مستحقّ کرامت نیست روزه مسافر سفر معصیت کامل است.^۵

۱. النّنف فی الفتاوی، ج ۱، ص ۶۱.

۲. النّنف فی الفتاوی، ج ۱، ص ۶۴.

۳. همان، ج ۱، ص ۷۷.

۴. همان، ج ۱، ص ۷۶.

۵. همان، ج ۱، ص ۷۵.



نماز در کشتی: از نظر ائمه مذاهب نماز در کشتی در حال حرکت جایز نیست، اما از نظر ابن کرام نماز صحیح است.^۱

نماز مغمی: از نظر فقها اعاده نماز شخص بی هوش بر او واجب است، اما از نظر ابن کرام و شافعی نیازی به اعاده نماز نیست.^۲

نماز محبوس: ابن کرام معتقد است نماز در هیچ شرایطی از شخص ساقط نمی شود هر چند محبوس باشد. در شرایط حبس و با نبود آب فرد باید با غبار هوا تیمم کند و نماز را به جای آورد، اما از نظر ابوحنیفه شخص در آن شرایط باید بدون وضو نماز بگذارد و سپس آن را اعاده کند. اصحاب ابوحنیفه معتقدند الزامی در ادای نماز نیست و شخص بعد از آزادی آن را اعاده کند.^۳

نماز در جنگ: ابن کرام می گوید اگر شخص در جنگ قادر به وضو گرفتن و تیمم نباشد مجاز به خواندن نماز است. همچنین اگر شخص در جنگ قادر به خواندن نماز باشد در حال حرکت و به صورت ایمن می تواند نماز بخواند. این حکم از نظر دیگر فقها جایز نیست^۴، مضافاً اینکه از نظر ابن کرام نماز را کب در حرکت صحیح است و این برخلاف قول فقهاست.^۵

نماز قضا: از نظر فقها اگر نماز صبح قضا شود و شخص در حین ادای نماز ظهر آن را به خاطر آورد، نماز وی باطل است، اما از نظر ابن کرام نماز این شخص در هیچ ح التی باطل نیست.^۶

نماز جمعه: از نظر ابن کرام و اهل حدیث حداقل نفرات برای اقامه نماز جمعه چهل نفر است. نظر وی مطابق نظر اهل حدیث، شافعی و ابوحنیفه است.^۷

۱. النتنف فی الفتاوی، ج ۱، ص ۷۸.

۲. همان، ج ۱، ص ۸۱.

۳. همان، ج ۱، ص ۸۴.

۴. همان، ج ۱، ص ۸۳.

۵. همان، ج ۱، ص ۱۱۲.

۶. همان، ج ۱، ص ۸۷.

۷. همان، ج ۱، ص ۹۲.





نماز نافله: به اعتقاد ابن کرام اقامه نماز نافله به امامت پسر جوان جایز است، اما از نظر دیگر فقها جایز نیست.^۱

نماز باران: ابوحنیفه می گوید برای طلب باران استغاثه و استغفار کفایت می کند و نمازی نیست.^۲ اما ابن کرام با استناد به فعل پیامبر نماز باران را از نمازهای مستحبی دانسته و معتقد است برای خواندن این نماز نیازی به خروج از شهر نیست و به جماعت هم خوانده می شود.^۳

غسل: قاضی سغدی در سنت یا فریضه بودن غسل میّت هیچ صحبتی نکرده، اما در کیفیت آن به طور مفصل عقیده ابن کرام را نقل کرده است. از نظر ابن کرام غسل میّت با سه اختلاف همچون غسل جنابت است. اول اینکه استنشاق و مضمضه از آداب غسل میّت نیست. دوم اینکه استنجا میّت در حین تغسیل کلّ بدن انجام می شود و سوم پاکی میّت با سه آب حاصل می شود.^۴ نکته قابل تأمل درین مبحث بررسی چیستی نماز میّت از نظر ابن کرام است. قاضی سغدی با مطرح کردن این سؤال که آیا نماز بر میّت «نماز» است یا «دعا»، اختلاف عقیدتی بین ابن کرام و ابوحنیفه را بازگو می کند و به نقل از ابوحنیفه می نویسد: ابوحنیفه و اصحابش با این استدلال که نماز میّت رکوع و سجود ندارد حقیقت نماز میّت را دعا می دانند نه نماز، و در ادامه نظر ابن کرام را به عنوان نظر مخالف مطرح می کند. درین گفتمان ابن کرام با استدلال خاصّ خویش حقیقت نماز میّت را «نماز» می داند نه دعا. از جمله دلایل وی این است: نماز میّت همچون سایر نمازها شامل تکبیر، سلام، استقبال قبله، امام جماعت، امتناع از کلام، بلند کردن دستان به هنگام تکبیر، دعوت مردم به نماز و مهم تر از همه کلام حق که فرمود «لاتصل علی احد منهم مات ابدا»^۵. درین گفتمان دینی ابن کرام فقیه دانشمندی است که استنباط های خود را از حکم شارع دارد و به راحتی احکام فقهی دیگر مذاهب را هرچند علیرغم قبول و

۱. الننف فی الفتاوی، ج ۱، ص ۹۶.

۲. ردّ المحتار علی الدرّ المختار، ج ۲، ص ۱۸۴.

۳. الننف فی الفتاوی، ج ۱، ص ۱۰۵.

۴. همان، ج ۱، ص ۱۱۷.

۵. همان، ج ۱، ص ۱۲۸.

شهرت عمومی، نمی پذیرد. همچنین قاضی سغدی با شفاف سازی و مستدل کردن این اختلاف ها، تلویحاً ابن کرام را از مظانّ تهمت بی سوادى و بی دینی^۱ تبرئه کرده است.

روزه

نیت روزه: به اعتقاد ابن کرام اگر شخص در بیماری نیت روزه کند و نتواند روزه بگیرد، برای ادای روزه قضا ملزم به نیت نیست و بر همان نیت قدیمی روزه صحیح است.^۲

مبطلات روزه: از نظر فقها خوردن غیر عمدی، دخول آب به گوش و استنشاق از مبطلات روزه است، اما از نظر ابن کرام هیچ کدام از این موارد روزه را باطل نمی کند.^۳

کفاره روزه: یکی از اختلاف های عقیدتی بین ابن کرام و ائمه دیگر مذاهب درباره کفاره روزه ماه رمضان است. در فقه کرامی اگر فردی روزه خود را به عمد با خوردن و آشامیدن و یا جماع نقض کند، علاوه بر ادای روزه، کفاره آن را هم باید ادا کند که آزادی زندانی، دو ماه روزه و یا اطعام شصت فقیر باشد. در فقه دیگر مذاهب نحوه نقض روزه تعیین کننده نوع کفاره است. اگر خوردن و آشامیدن به عمد، ناقض روزه باشد کفاره شامل آن نمی شود و اعاده روزه کفایت می کند. اما اگر جماع ناقض روزه باشد کفاره آن شصت روز روزه، اطعام شصت مسکین و آزادی زندانی است.^۴ همچنین از نظر ابوحنیفه کفاره روزه از شخص بیمار ساقط می شود و نیازی به اعاده روزه نیست، اما از نظر شافعی و ابن کرام کفاره روزه تحت هیچ شرایطی از فرد ساقط نمی شود.^۵

اعتکاف: برخلاف فقهای اهل تسنن که بر جایز نبودن اعتکاف اجماع دارند ابن کرام آن را سنت می داند و با رعایت سه شرط آن را جایز می شمارد: اولین شرط اعتکاف روزه است؛ دوم اینکه حداقل ایام اعتکاف و روزه آن یک روز باشد؛ و سوم اگر شخص در مسجد معتکف باشد باید نمازهای یومیه را به جماعت بخواند. و از مبطلات اعتکاف

۱. الملل و النحل، ج ۱، ص ۲۸.

۲. الننف فی الفتاوی، ج ۱، ص ۱۱۵.

۳. همان.

۴. همان، ج ۱، ص ۱۴۳.

۵. همان.

میرزا تقی

فقه کرامی، دعوتی نو



ترک روزه، جماع و خروج از مسجد است، البتّه اگر شخص به نیت طهارت از مسجد خارج شود و نیمی از روز خارج از مسجد باشد اعتکاف وی صحیح است^۱.
 صدقه: عید فطر از نظر جمیع فقها واجب و از نظر ابن کزّام سنّت است^۲.
 نذورات: فقها بر وجوب ادای نذر اجماع دارند، اما از نظر ابن کزّام ادای نذر از فضایل است و وجوب ندارد^۳.

حج

از نظر ابوحنیفه اتمام حجّ عمره فریضه است^۴، امّا از نظر ابن کزّام الزامی در اتمام حجّ عمره نیست^۵.

- احرام بستن از ملزومات حج است. به اعتقاد ابوحنیفه میقات، محل احرام بستن است امّا از نظر ابن کزّام اطراف حرم محل بستن احرام است^۶.

- ابن کزّام حج گزار را مجاز به اجاره می داند^۷.

- از نظر ابن کزّام قربانی کردن در ایّام حج مختصّ به روز عید قربان نیست. او این حکم را از ابوحنیفه گرفته است. امّا از نظر اصحاب ابوحنیفه قربانی در حج فقط مختصّ عید اضحی است^۸. مضافاً اینکه ابن کزّام ناخن، دندان و استخوان را از آلات ذبح نمی داند و نظر بر حرمت آن دارد، امّا از نظر ابوحنیفه و اصحابش حرمتی در استعمال این آلات نیست و فقط کراهت دارد^۹.

- یکی از آداب حج حرمت کشتن حیوانات است، اما ابن کزّام معتقد است کشتن

۱. الننف فی الفتاوی، ج ۱، ص ۱۶۱.
۲. همان، ج ۱، ص ۱۶۳.
۳. همان، ج ۱، ص ۱۹.
۴. المبسوط، ج ۴، ص ۱۱۷.
۵. الننف فی الفتاوی، ج ۱، ص ۲۰۱.
۶. همان، ج ۱، ص ۲۰۸.
۷. همان، ج ۱، ص ۵۷۴.
۸. الننف فی الفتاوی، ج ۱، ص ۲۱۴.
۹. همان، ج ۱، ص ۲۲۷.



سباع و حیوانات درنده در صورت حمله به حاجی جایز است.^۱ این حکم ابن کزّام اگر چه مخالف نظر ابوحنیفه است، اما با عقیده فقهی شافعی و مالکی مطابقت دارد.

صید: از نظر فقها اگر صید در اثر جراحت نیزه یا تیر بمیرد، میت خواهد بود و خوردن آن حرام است، اما ابن کزّام معتقد است اگر صیّاد یقین کند صید در اثر ضربه صیّاد کشته شده، آن صید حلال است. این حکم درباره طيور نیز صدق می کند.^۲

اشربه: از نظر ابوحنیفه و اصحاب او مسکرات با شرایطی حلال است. اما از نظر ابن کزّام مسکرات تحت هر شرایطی حرام است^۳ مضافاً اینکه از نظر ابوحنیفه خرید و فروش انگور به قصد تهیه شراب بلامانع است، اما از نظر ابن کزّام جایز نیست.^۴

البسه: فقها بر حرام بودن البسه و یا هر گسترده‌ای که از جنس حریر و اطلس باشد (برای مردان) اجماع دارند، اما از نظر ابن کزّام بلامانع است.^۵

لواط: از مباحث بحث برانگیز در میان فقهای مذاهب است. از نظر قاضی سغدی هم جنس‌گرایی مردان حرمت ندارد، حدی بر آن نیست و فقط حکم آن تعزیر است. این حکم کاملاً مطابق قول ابوحنیفه است.^۶ اما از نظر شعبی حدّ لواط سنگسار است. ابن کزّام نه سخت‌گیری شعبی را دارد و نه تساهل ابوحنیفه را. به اعتقاد وی باید بر فاعل این عمل شنیع حد جاری شود و حدّ آن مطابق حدّ زناست^۷، و زمانی حد بر زانی جاری می شود که شخص عامدانه مرتکب این فعل شده باشد و نه به اکراه.^۸ هم چنین بر خلاف نظر دیگران، مجرم در هنگام اجرای حد نباید برهنه باشد.^۹ برخلاف آنچه به ابن کزّام نسبت می دهند هیچ قولی از او دالّ بر اباحه این فعل در کتاب قاضی سغدی نیست.

۱. الننف فی الفتاوی، ج ۱، ص ۲۲۰.

۲. همان، ج ۱، ص ۲۳۶.

۳. همان، ج ۱، ص ۲۴.

۴. همان، ج ۱، ص ۴۹.

۵. الننف فی الفتاوی، ج ۱، ص ۲۴۸.

۶. ردّ المحتار علی الدرّ المختار، ج ۴، ص ۲۷.

۷. الننف فی الفتاوی، ج ۱، ص ۲۶۹.

۸. همان، ج ۱، ص ۶۳۰.

۹. همان، ج ۱، ص ۶۳۶.



نکاح

- حضور شاهد در عقد از شروط صحّت عقد نکاح است. از نظر ابوحنیفه و شافعی شهادت بنده برای عقد صحیح نیست، اما از نظر ابن کرام بلامانع و صحیح است.^۱

- یکی از شروط نکاح کفو یا هم کفو بودن است. از نظر فقها هم کفو بودن چهار وجه دارد: دین، نسب، مال و حرفه. اما به عقیده ابن کرام فقط دین کفایت می کند.^۲
رضاع: از نظر ائمه فریقین محرّمیت با شرب، سعوّط (استنشاق) و احتقان (اماله از راه معقد) میسر می شود و البتّه ابوحنیفه احتقان را نمی پذیرد. اما از نظر ابن کرام محرّمیت رضاعی تنها از طریق شرب است.^۳

طلاق: از نظر فقها طلاق، لفظی نیز واقع می شود، به نحوی که اگر مرد به لفظ به همسر خود بگوید ان شاء الله تو را طلاق دادم، طلاق محقق می شود، مضافاً اینکه اگر بگوید تو را سه طلاق داده ام، دقیقاً سه طلاق محسوب می شود و رجوع ممکن نیست. اما ابن کرام این حکم را نمی پذیرد و معتقد است به صرف لفظ، طلاق رخ نمی دهد.^۴

بیع: شفعه یکی از مصادیق بیع به معنی حقّ تقدم همسایه در تملک ملک بر سایر خریداران است. از نظر شافعی و حنفی شفعه در سه مورد است: خانه، زمین و قنات، اما ابن کرام شفعه را شامل حیوان، کشتی و لوازم خانه می داند.^۵

- اگر شخصی حوض پرآبی را اجاره کند مجاز به بیع (اجاره یا فروش آب) می باشد، اما از نظر ابن کرام مجاز نیست.^۶

- از نظر ابوحنیفه و اصحابش معامله انگور به نیت درست کردن شراب بلامانع است،

۱. المنتف فی الفتاوی، ج ۱، ص ۲۷۹.

۲. همان، ج ۱، ص ۲۹۱.

۳. همان، ج ۱، ص ۳۱۷.

۴. همان، ج ۱، صص ۳۵۲، ۳۶۴.

۵. همان، ج ۱، ص ۴۹۷.

۶. همان، ج ۱، ص ۶۲۱.



اما ابن کزّام با این استدلال که این بیع معاونت در گناه است آن را حرام می‌داند.^۱
 سرقت: برخلاف نظر فقها، ابن کزّام قطع کامل دست سارق را نمی‌پذیرد و قطع از
 کرسوعین (میچ دو دست) را قبول دارد.^۲ این سند برخلاف قولی است که ابن داعی درباره
 عدم جواز قطع دست سارق به ابن کزّام نسبت داده است.^۳

قصاص و دیه: از نظر ابن کزّام اگر شخصی به قتل برسد و وارث نداشته باشد، قصاص
 لازم نیست و قاتل فقط ملزم به پرداخت دیه به بیت‌المال است، و این حکم مختص
 ابن کزّام است.^۴ در مبحث دیه ابن کزّام معتقد است اگر فرد مجنونی مرتکب قتل شده
 باشد، دیه آن بر عاقله است؛^۵ و این حکم نیز برخلاف قول ابن داعی است.^۶

سحر: از نظر ابوحنیفه و اصحابش ساحر اهل بغی محسوب می‌شود، ازین رو قتل وی
 واجب است. اما طبق قول ابن کزّام قتل لازم نیست و در صورت افساد، حبس کفایت می‌کند.^۷
 نفقه: بنا بر قول ابن کزّام نفقه شخص عاجز (شامل اجانب عاجز نیز می‌شود) بر
 عهده بیت‌المال و مسلمین، و ادای آن واجب است. اما از نظر دیگر فقها وجوب ندارد.^۸
 تقیه: مبحث تقیه در کتاب الننف در باب «الإکراه» آمده است. جمیع فقها علی‌رغم
 پذیرش تقیه خوفی، در بعضی موارد نیز اختلاف دارند. ابن کزّام تقیه در محرمات از جمله
 اکل میت، گوشت خوک، شرب خمر و خون، درح‌التی که شخص مضطر باشد را بلامانع
 می‌داند، اما دیگر فقها تقیه در این مورد را جایز نمی‌شمارند.^۹ در مقابل، ابن کزّام تقیه در
 کفر به خدا را نمی‌پذیرد، اما ابوحنیفه و شافعی در حالت اضطرار آن را جایز می‌شمارند.^{۱۰}

۱. الننف فی الفتاوی، ج ۱، ص ۴۹۰.

۲. همان، ج ۱، ص ۴۱.

۳. تبصرة العوام، ص ۶۸.

۴. الننف فی الفتاوی، ج ۱، ص ۶۶۴.

۵. همان، ج ۱، ص ۶۶۶.

۶. تبصرة العوام، ص ۶۶.

۷. الننف فی الفتاوی، ج ۱، ص ۶۹۴.

۸. همان، ج ۱، ص ۹۰۲.

۹. همان، ج ۲، ص ۶۹۹.

۱۰. همان، ج ۲، ص ۷۰۰.





قاضی سغدی در ادامه و در مبحث تقیّه در ترک فرائض، تنها رائ و نظر ابن کزّام را نقل کرده است. به نظر ابن کزّام ترک نماز و نقض روزه تنها در صورت تهدید به مرگ جایز است.^۱ تمامی موارد مذکور از مصادیق مهمّ مورد اختلاف ابن کزّام با ائمّه مذاهب است که می‌تواند سازنده نظام فقهی مستقلّی باشد. روش استنباط احکام نشانگر نوع نگرش دینی فقیه و تلقی خاص وی از شریعت است. فقه ارائه شده از سوی ابن کزّام فقه نقل محور، و روش استنباط احکام از سوی او بر اساس قرآن و سنت است و در مواردی که از طرف شارع دستوری نرسیده باشد، ابن کزّام بر اساس قیاس و درک و ظنّ خود اجتهاد کرده است.

حاصل سخن

با مطالعه و تدقیق در کتاب النتنف فی الفتاوی و بررسی آراء فقهی ائمه مذاهب و ابو عبدالله کزّام، دریافتیم قاضی سغدی علی رغم مشابّهت‌های آراء فقهی ابن کزّام با دیگر فقها از جمله ابوحنیفه، ابن کزّام راهم عرض ایشان قرار داده و احکام وی را به طور جداگانه مطرح کرده است، همچنین با توجه به تمایز فقه ارائه شده از سوی ابن کزّام، یقیناً فقه کزّامی حداقل تا مدتها مستقل از فقه حنفی بوده است.

احکامی که بر اساس آن نویسندگان دوران بعد ابن کزّام را تکفیر کرده‌اند، در بعضی موارد کاملاً در تناقض با احکام فقهی او در کتاب النتنف، و جعلی و غیرمستند بودن آن مشهود است. آراء فقهی کزّامی که از بستر فقه حنفی ظهور کرده، گاهی به فقه حنفی و گاه به فقه شافعی نزدیک است و در بعضی موارد کاملاً متفاوت از فقه فریقین نمود پیدا کرده که این تفاوت دیدگاه در مصادیق تحول پذیر فقهی بیشتر است. و نکته آخر اینکه فقه کزّامی به موازات دیگر مکاتب فقهی در جریان بوده و هیچ‌گاه در تقابل و تقار با دیگر مذاهب نبوده است. برخلاف گفته ابن داعی، او هیچ کبیره‌ای را مباح نکرده^۲ و در مبحث معاصی تدین زاهدانه ابن کزّام کم از دیگر فقها نیست.

۱. النتنف فی الفتاوی، ج ۱، ص ۷۰۱.

۲. تبصرة العوام، ص ۶۸، که نقل آن پیش تر گذشت.

- أحسن التقاسيم، ابو عبدالله مقدسى، ترجمه على نقى منزوى، تهران، مؤلفان و مترجمان، ۱۳۶۱.
- الأنساب، سمعانى، ۱۴۰۸ق، ج ۷-۱۰.
- «پژوهشى درباره كزاميان»، محمد كاظم رحمتى، هفت آسمان، ش ۲، ۱۳۷۸، صص ۱۱۸-۱۴۳.
- تاج التراجم في طبقات الحنفية، زين الدين ابن قطلوبغا السودونى، تحقيق محمد رمضان يوسف، بيروت، دارالقلم، ۱۴۱۳ق.
- تاريخ نيشابور، عبدالغافر فارسى، ابراهيم بن محمد صريفينى، تحقيق محمد الكاظم، قم، جماعة المدرسين في الحوزة العلمية، مؤسسة النشر الإسلامى، ۱۴۰۳ق.
- تازيانه هاى سلوك، محمد رضا شفيعى كدكنى، تهران، ۱۳۸۰.
- تبصرة العوام في معرفة مقالات الأئمة، سيد مرتضى بن داعى حسينى، تصحيح عباس اقبال، تهران، اساطير، ۱۳۶۴.
- التبصير في الدين، ابوالمظفر اسفراينى، تحقيق يوسف الحوت، بيروت، عالم الكتب، ۱۴۰۳ق.
- التجسيم عند المسلمين، مذهب الكرامية، سهير محمد مختار، القاهرة، شركة الإسكندرية، ۱۹۷۱م.
- ترجمه سواد اعظم، ابوالقاسم سمرقندى، تصحيح عبدالحي حبيبي، تهران، بنياد فرهنگ ايران، ۱۳۴۸.
- جامع الأسرار و منبع الأنوار، سيد حيدر آملى، تصحيح هانرى كربن، تهران، ايران شناسى، ۱۳۴۷.
- الجواهر المضية في طبقات الحنفية، عبدالقادر القرشى، تحقيق عبدالفتاح محمد الحلوى، القاهرة، دارالهجر، ۱۴۱۳ق، ج ۵.
- رجال نجاشى، ابوالعباس نجاشى، تحقيق موسى شبيرى زنجانى، قم، مؤسسه نشر اسلامى، ۱۴۱۸ق.
- رد المحتار على الدر المختار، محمد امين عمر بن عابدين، بيروت، دارالفكر، ۱۴۱۲ق، ج ۴.
- شذرات الذهب في أخبار من ذهب، ابن عماد حنبلى، تحقيق خالد عبدالكريم جمعة، المخطوطات العربية، ۱۴۰۶ق.
- الفرق بين الفرق، عبدالقاهر بغدادى، بيروت، دارالآفاق الجديدة، ۱۹۷۷م.
- فرقه هاى اسلامى، ويلفرد مادلونگ، ترجمه ابوالقاسم سزى، تهران، اساطير، ۱۳۸۱.
- «فرقه هاى كزاميه»، محمد رضا چيت ساز، معارف، دورة ۱۰، ش ۲-۳، ۱۳۷۲، صص ۷۲-۱۰۶.
- «فقه حنفى در عهد ايلخانيان»، محمد باغستاني، مطالعات اسلامى، ش ۶۱، ۱۳۸۲، صص ۵۴-۴۱.





- فلسفه و کلام اسلامی، ویلیام مونتهگمری، ترجمه ابوالفضل عزتی، تهران، علمی و فرهنگی، ۱۳۷۰.
- الفوائد البهية في تراجم الحنفية، محمد عبدالحی لکنهوی، تحقیق بدرالدین ابوفراس سلمانی، بیروت، دارالمعرفة، بی تا.
- القند في ذکر علماء سمرقند، نجم الدین عمر بن محمد نسفی، یوسف الهادی، تهران، میراث مکتوب، ۱۴۲۰ق.
- کتاب الخلاف في الأحكام، أبوجعفر محمد بن حسن طوسی، قم، جماعة المدرّسين في الحوزة العلمية، مؤسسة النشر الإسلامي، ۱۴۰۷ق.
- کتاب النتنف في الفتاوی، ابوالحسن سعدي (۱۴۰۴ق)، تحقیق صلاح الدین ناهی، بیروت، الرسالة، ۲ج.
- «کرامیه در نیشابور»، مارگارت مالامود، ترجمه محمد نظری، خراسان پژوهی، س ۳، ش ۱، ۱۳۷۹، صص ۷۳-۹۶.
- «متونی درباره کرامیه»، یوزف فان اس، ترجمه احمد شفیعیها، معارف، ش ۲۵، ۱۳۷۱.
- المبسوط، محمد بن أحمد سرخسی، تحقیق جمعی از اندیشمندان، بیروت، دارالمعرفة، ۱۴۱۴ق.
- المجروحین من المحدثین و الضعفاء و المتروکین، أبوحاتم محمد بن حبان تمیمی، تحقیق محمود ابراهیم زاید، حلب، دارالوعی، ۱۳۹۶ق.
- مجموعه مقالات، محسن جهانگیری، تهران، حکمت، ۱۳۹۰، ج ۱، کلام اسلامی.
- المغنی في الضعفاء، شمس الدین ذهبی، تحقیق نورالدین عتر، بی جا، ۱۴۱۸ق.
- مقالات الإسلامیین و اختلاف المصلین، ابوالحسن اشعری، تحقیق فرانتس شتاينر، ویسبادن، ۱۴۰۰ق.
- الملل و النحل، ابوالفتح شهرستانی، تحقیق احمد فهیمی، بیروت، دارالکتب العلمية، ۱۹۹۲م، ج ۳.
- النقض، عبدالجلیل قزوینی رازی، تصحیح میر جلال الدین حسینی ارموی، تهران، انجمن آثار ملی، ۱۳۵۸.